

آقای حاج میرزا حسن آقای مجتهد

خدایند انشاءالله این مجلس و این وکلا را تأیید نماید و آنهایی را که قصد دارند که دوباره اساس این مملکت رجوع باستبداد نماید خدا بر طرف و نابود فرماید.

آقای سید حسن تقی زاده

دو کده در ورود آقای تبریک و تهنیت عرض نمایم و افاضه گذشته از رسمیات بطور ساده باید عرض کرد برای آنها تکیه در این موضوع اشتباه نموده رفع اشتباه بشود که حضرت آقا یک دقیقه ازاو تا کنون از تأیید و تقویت اساس مشروطیت فارغ نبوده نوبتند و اینکه مختصر رنجش از جزئیات حاصل شده بود ربط باین ندارد و گویا آنها تکیه بصیر هستند میدانند که هیچوقت از خیال مشروطیت خارج نبودند و اگر دل تنگی حاصل شده بواسطه جزئیات بوده و بعد از آنهم رفیق شده و امروزه تمام ملت ایران با هم کمال افتان و اتفاد دارند.

آقای میرزا آقا محمد

موضوع لازم بود گفته شد و حقیقتاً در اینکه تاسیس این اساس از اقدامات علما بوده است شکی نیست و همینقدر امروز ما از تشریف فرمائی ایشان متشکر بوده و البته حضرت آقا هم بعدها آنچه را که میباید مساعدت فرمایند خواهند فرمود.

لایحه رئیس

معلوم است آقای مجلس و مشروطیت و حفظ دین و مملکت با علمای اعلام است همین طور که جناب حاج امام جمعه فرمودند در آذربایجان ایشان اقدامات فرموده اند و اساس مشروطیت را در آنجا برقرار کرده اند انشاءالله بعدها بیشتر و بهتر همه قسم اقدامات خواهند فرمود.

رئیس

تشریف فرمائی جناب آقایار با مجلس مقدس تبریک میگویم و انشاءالله مبارک است (مجدداً) شروع بقرائت قانون متوفیات گردید پس از مذاکرات زیاد در ماده اولی که راجع بتعیین میزان مبلغ و مقدار مرسوم بوده و مردود بود بین اینکه اگر زیاده از پانصد تومان نقد و ده خروار جنس باشد موقوف بتصویب وزیر مسئول و مجلس مقدس است یا اگر هزار تومان نقد و بیست خروار جنس باشد موقوف بتصویب مجلس و وزیر مسئول خواهد بود در اینجا رای گرفته شد و اکثریت آراء میزان همان پانصد تومان نقد و ده خروار جنس تصویب گردید و در ماده دوم که راجع به بدادن نصف مرسوم متوفی بوده شرط مدت بعضی قید مدت پانزده سال را لازم می دانستند و بعضی قید مدت را هیچوجه لازم نمیدانستند اخذ رای شده با اکثریت آراء دادن نصف مرسوم بمرتبه متوفی تأیید پانزده سال تصویب شد ()

آقای معاضد السلطنه

آقای حاج محمد تقی شاهرودی - آقای حاج میرزا علی آقا - آقا میرزا محمود خونساری - آقای رئیسالتجار - آقای قوام دیوان

مذاکرات روز ۳ شنبه**چهاردهم شهر صفر المظفر****دارالشورای ملی**

خلاصه مذاکرات روز شنبه یازدهم را آقای میرزا مرتضی قلیخان قرائت کردند.

(اسامی اعضاء کمیسیون جنک که قبلاً با اکثریت آراء انتخاب شده بودند قرائت شد از قرار ذیل)

امان الله میرزا - لسان العکا - هدایت الله میرزا

خیاط باشی - امجد السلطان - بشیر السلطان

رئیس - حضرت والا وزیر جنک بمجلس آمده و تومنی میفرماید بجهت

بدو عرض شده باید وزراء را بخواهد و با آنها گفتگو نماید ولی نمیشود مجبور کرد که غلغلان را از غلغلان تبعید نکند و شاید وزراء صلاح ندانند و این مخالف با قانون اساسی است

آقای سید حسین

جواب انجمنها این است که در این باب مجلس وزراء را خواسته که گفتگو نماید و در صورتیکه وزراء تبعید این اشخاص را صلاح بدانند عمل خواهند کرد

رئیس

پس باید بنمایند که انجمنها بهین طور جواب داد و فردا هم چهار ساعت بفریب مانده آقایان وکلا باید حاضر باشند بجهت گفتگوی با وزراء (مجلس ختم شد)

مذاکرات روز شنبه یازدهم**شهر صفر المظفر دارالشورای ملی**

خلاصه مذاکرات روز شنبه نهم را آقای میرزا مرتضی قلیخان قرائت کردند.

نایب رئیس

امروز باید قانون وظایف قرائت شود و رای گرفته شود.

آقای سید حسین

قرار بود اعضاء کمیسیون اداره انتخاب شوند و اکثری هم رای خود را نوشته اند بدو آن ورقها جمع شود که تا تمام شدن قرائت قانون متوفیات اعضاء کمیسیون اداره هم با اکثریت آراء معلوم کردند.

(در این موقع اخذ ورفه آراء شده شروع بقرائت قانون متوفیات گردید) درین قرائت قانون جناب آقای حاج میرزا حسن آقای مجتهد تبریزی بهرامی جناب حاج امام جمعه خونی و سایر وکلای محترم آذربایجان وارد مجلس نمودند.

آقای حاج امام جمعه

بدیهی است که هر ملتی از بدو خلقت دنیا تا نامور و رستگاری آنها بدست علما بوده است و بعضی از کوه نظران چنان فرض مینمایند که احکام شرع فقط ناظر بامور آخرت و علمای آنها هم راهنمای آخرتند و حال آنکه اینطور نیست اگر درست دقت نمایند در احکام شرع ما همانطور که دستور امور مادی است ناظر بامور معاشیه ما هم هست پس همین طور که علماء عاملین مردم را از حیث امور معاشیه و تمدن هم آگاه کردند خاصه در این قرن چهاردهم که نهایت ذلت باین ملت داجار شده و گرفتار ظلم بودند و از یکسال و نیم قبل سیدین السیدین دیدند که نزدیک است ورشته ملت و دین گسیخته گردد و چاره اذیری ناه و استقلال این دولت اسلامی ندیدند و اینگونه سلطنت را مشروطه نمایند لهذا بدست یاری سایر علماء و اهل مملکت سلطنت مستبده ظالمانه چندین ساله را بدل بسلطنت مشروطه نمودند از همت این دوزیر گوار و بهرامی علماء سایر بلاد خاصه در آذربایجان که در حقیقت دارالسلطنه دوم این مملکت است بواسطه وجود جناب مستطاب آقای حاج میرزا حسن آقای مجتهد و اقدامات مجدداً ایشان سلطنت مستبده تبدیل بسلطنت مشروطه گردید و اگر فی الجمله در این اواخر تأخیری در حضور بهر سانیدن ایشان در مجلس مقدس شده است امیدواریم که بعدها از اقدامات خودشان بیش از پیش ملت را خوشنود فرمایند و این هم لایحه است که خودشان نوشته اند قرائت شود.

قرائت شد قریب باین مضمون که از بدو مشروطیت نهایت جدوجهد را در استقرار آن بعمل آورد و در این مدت هیچوقت از تشبید و تأیید این اساس و تقویت دین اسلام و خیرخواهی ملت و دولت غفلت نکرده ام اگر دو آمدن بمجلس مقدس و اظهار بهرامی و اهتمام خود فی الجمله تأخیری شده بواسطه پارامز موافق بوده است امیدوارم که بعد ها بیش از پیش در تشبید این اساس و ازدیاد اتحاد و اتفاق مجاهدت نموده خاطر عموم را از خود خوشنود و خوشوقت سازد (صوم اظهار تبریک نمودند)

وزیر جنک

البته بطوریکه آن روز عرض شد باید یک تغییر در حالت حالیه قشون داده شود تا یک ترتیبی بتدریج در نظم قشون حاصل گردد و کتابچه که سابق در این باب نوشته شده و بمجلس فرستاده شد خلاصه آن این است که قشون باید کلیتاً پنج تقسیم بشود باین معنی که پنج اردو در پنج نقطه تشکیل داده شود یکی در طهران و یکی در آذربایجان و همچنین مثلاً در نقاط دیگر که مهم است تشکیل بدیم و ترتیب آن را هم اینطور قرار دادیم که از همان افواج سابق از هر فوجی یک ثلث آنرا بحکم بقرعه انتخاب نمایم و دو ثلث دیگر مرخص شوند و حقوق یک فوج را بصرف تکمیلات همان یک ثلث برانیم و این یک اردو را بترتیب نظام خارجه منظم نموده بعد بواسطه همین یک شعبه سایر شعبات نظامی هم منظم و مرتب شوند چون یکدفعه ممکن نیست قرار شد بدو از طهران شروع بشود یعنی یک اردو را در اینجا معین و تشکیل نمایم بعض نمونه تأیید سایر جاها هم مرتب شود و ترتیب آن هم با مخارج آن نوشته شده است حال در کمیسیون جنک با در کمیسیون دیگر هر طور که مجلس صلاح بداند رجوع شده در جزئیات آن دقت نظر کرده و نظریات خود را بنویسند تا شروع بکار شود و محل مخارج آن هم معین شود که باین ترتیب باید ماه بهاء بقشون پول داده شود.

وزیر جنک

البته همان عده نمیشود لابد از آن عده کم میشود که همان میزان که در بودجه معین شده مخارج آنها را کفاف بنماید مثلاً از برای طهران تمام نظام طهران را معین کرده یک ثلث از آنها را بقرعه انتخاب میکنیم و بآنها مواجب میدیم سایرین را هم از برای بدنگاه میداریم.

وزیر جنک

البته همان عده نمیشود لابد از آن عده کم میشود که همان میزان که در بودجه معین شده مخارج آنها را کفاف بنماید مثلاً از برای طهران تمام نظام طهران را معین کرده یک ثلث از آنها را بقرعه انتخاب میکنیم و بآنها مواجب میدیم سایرین را هم از برای بدنگاه میداریم.

وزیر جنک

البته همان عده نمیشود لابد از آن عده کم میشود که همان میزان که در بودجه معین شده مخارج آنها را کفاف بنماید مثلاً از برای طهران تمام نظام طهران را معین کرده یک ثلث از آنها را بقرعه انتخاب میکنیم و بآنها مواجب میدیم سایرین را هم از برای بدنگاه میداریم.

وزیر جنک

البته همان عده نمیشود لابد از آن عده کم میشود که همان میزان که در بودجه معین شده مخارج آنها را کفاف بنماید مثلاً از برای طهران تمام نظام طهران را معین کرده یک ثلث از آنها را بقرعه انتخاب میکنیم و بآنها مواجب میدیم سایرین را هم از برای بدنگاه میداریم.

وزیر جنک

البته همان عده نمیشود لابد از آن عده کم میشود که همان میزان که در بودجه معین شده مخارج آنها را کفاف بنماید مثلاً از برای طهران تمام نظام طهران را معین کرده یک ثلث از آنها را بقرعه انتخاب میکنیم و بآنها مواجب میدیم سایرین را هم از برای بدنگاه میداریم.

وزیر جنک

البته همان عده نمیشود لابد از آن عده کم میشود که همان میزان که در بودجه معین شده مخارج آنها را کفاف بنماید مثلاً از برای طهران تمام نظام طهران را معین کرده یک ثلث از آنها را بقرعه انتخاب میکنیم و بآنها مواجب میدیم سایرین را هم از برای بدنگاه میداریم.

وزیر جنک

البته همان عده نمیشود لابد از آن عده کم میشود که همان میزان که در بودجه معین شده مخارج آنها را کفاف بنماید مثلاً از برای طهران تمام نظام طهران را معین کرده یک ثلث از آنها را بقرعه انتخاب میکنیم و بآنها مواجب میدیم سایرین را هم از برای بدنگاه میداریم.

وزیر جنک

البته همان عده نمیشود لابد از آن عده کم میشود که همان میزان که در بودجه معین شده مخارج آنها را کفاف بنماید مثلاً از برای طهران تمام نظام طهران را معین کرده یک ثلث از آنها را بقرعه انتخاب میکنیم و بآنها مواجب میدیم سایرین را هم از برای بدنگاه میداریم.

وزیر جنک

البته همان عده نمیشود لابد از آن عده کم میشود که همان میزان که در بودجه معین شده مخارج آنها را کفاف بنماید مثلاً از برای طهران تمام نظام طهران را معین کرده یک ثلث از آنها را بقرعه انتخاب میکنیم و بآنها مواجب میدیم سایرین را هم از برای بدنگاه میداریم.

وزیر جنک

البته همان عده نمیشود لابد از آن عده کم میشود که همان میزان که در بودجه معین شده مخارج آنها را کفاف بنماید مثلاً از برای طهران تمام نظام طهران را معین کرده یک ثلث از آنها را بقرعه انتخاب میکنیم و بآنها مواجب میدیم سایرین را هم از برای بدنگاه میداریم.

وزیر جنک

البته همان عده نمیشود لابد از آن عده کم میشود که همان میزان که در بودجه معین شده مخارج آنها را کفاف بنماید مثلاً از برای طهران تمام نظام طهران را معین کرده یک ثلث از آنها را بقرعه انتخاب میکنیم و بآنها مواجب میدیم سایرین را هم از برای بدنگاه میداریم.

وزیر جنک

البته همان عده نمیشود لابد از آن عده کم میشود که همان میزان که در بودجه معین شده مخارج آنها را کفاف بنماید مثلاً از برای طهران تمام نظام طهران را معین کرده یک ثلث از آنها را بقرعه انتخاب میکنیم و بآنها مواجب میدیم سایرین را هم از برای بدنگاه میداریم.

وزیر جنک

البته همان عده نمیشود لابد از آن عده کم میشود که همان میزان که در بودجه معین شده مخارج آنها را کفاف بنماید مثلاً از برای طهران تمام نظام طهران را معین کرده یک ثلث از آنها را بقرعه انتخاب میکنیم و بآنها مواجب میدیم سایرین را هم از برای بدنگاه میداریم.

وزیر جنک

البته همان عده نمیشود لابد از آن عده کم میشود که همان میزان که در بودجه معین شده مخارج آنها را کفاف بنماید مثلاً از برای طهران تمام نظام طهران را معین کرده یک ثلث از آنها را بقرعه انتخاب میکنیم و بآنها مواجب میدیم سایرین را هم از برای بدنگاه میداریم.

وزیر جنک

البته همان عده نمیشود لابد از آن عده کم میشود که همان میزان که در بودجه معین شده مخارج آنها را کفاف بنماید مثلاً از برای طهران تمام نظام طهران را معین کرده یک ثلث از آنها را بقرعه انتخاب میکنیم و بآنها مواجب میدیم سایرین را هم از برای بدنگاه میداریم.

وزیر جنک

البته همان عده نمیشود لابد از آن عده کم میشود که همان میزان که در بودجه معین شده مخارج آنها را کفاف بنماید مثلاً از برای طهران تمام نظام طهران را معین کرده یک ثلث از آنها را بقرعه انتخاب میکنیم و بآنها مواجب میدیم سایرین را هم از برای بدنگاه میداریم.

وزیر جنک

البته همان عده نمیشود لابد از آن عده کم میشود که همان میزان که در بودجه معین شده مخارج آنها را کفاف بنماید مثلاً از برای طهران تمام نظام طهران را معین کرده یک ثلث از آنها را بقرعه انتخاب میکنیم و بآنها مواجب میدیم سایرین را هم از برای بدنگاه میداریم.

وزیر جنک

البته همان عده نمیشود لابد از آن عده کم میشود که همان میزان که در بودجه معین شده مخارج آنها را کفاف بنماید مثلاً از برای طهران تمام نظام طهران را معین کرده یک ثلث از آنها را بقرعه انتخاب میکنیم و بآنها مواجب میدیم سایرین را هم از برای بدنگاه میداریم.

وزیر جنک

البته همان عده نمیشود لابد از آن عده کم میشود که همان میزان که در بودجه معین شده مخارج آنها را کفاف بنماید مثلاً از برای طهران تمام نظام طهران را معین کرده یک ثلث از آنها را بقرعه انتخاب میکنیم و بآنها مواجب میدیم سایرین را هم از برای بدنگاه میداریم.

وزیر جنک

البته همان عده نمیشود لابد از آن عده کم میشود که همان میزان که در بودجه معین شده مخارج آنها را کفاف بنماید مثلاً از برای طهران تمام نظام طهران را معین کرده یک ثلث از آنها را بقرعه انتخاب میکنیم و بآنها مواجب میدیم سایرین را هم از برای بدنگاه میداریم.

مجلس قانون اساسی افغانستان به واسطه مملکتی است بنیاد
هزار سواره و تفنگچی شجاع و رشید جان را در راه
ملت گذاشته اند. بهر گنج که از هر دو حاضر خواهند
شد شجاعت و رشادت لرستانی از هر دو حاضر است
کلیه مقصود حکام بقتله و اغتشاش داخلی است هر
کسی که مشروطه طلب باشد او را ازین بیرند ولی
چون حق بجانب مشروطه است اهل استبداد هم
مفلوب میشوند و مقصود نمیرسد همچنانکه انجمن
ملی خرم آباد دائر اعلان بنام ماها دادند همگی
خوش وقت شدند بوسیله عرضه تبریک عرض نمودیم
جناب سردار مکرر تصور نمود تمام خوانین مشروطه
طلب شده ایم دیگر نمی تواند ظلم و تعدی نماید در
صدد تعرض انجمن افتاده مشغول گفتن گردیدیم بعضی
از ملاها را بر شوه فریب داده و بعضی از گماشتگان
خود را بلباس مشروطه داخل انجمن نموده رفته
رفته کار فتنه بالا گرفتند و در فتنه نموده عاقبت
کار شهر بنزاع کشیده با خودش طرف شدند
دعوی سستی شده از عهده جنگ ملت بر
نیامد شکست خورده به این استکفا نکرده باز
آتش کرد شهری را باالوار طرف نمود چون
ما با خوانین قسم خورد بودیم هر اهل از مجلس
بنمائیم ابد با آنها طرف نشده هر کدام محل خودمان
رفته و از روی حقیقت پناه بمجلس مقدس آورده و
حقایق خودمان را بر عرض میرسانم جانا و ملا مطیع و
فرمان برداریم آنچه را که وکلای محترم صلاح میدانند
اطاعت خواهیم کرد عرض دیگر چون عمل عاقلان

لرستان غیر از عمل شهر است بکنفر آدم بصیر از اهل
لرستان برای وکالت در مجلس مقدس لازم دیدیم که
دفع هیوات را بنمایند و در آنجا حاضر باشد استدعا
چنان است اجازه بفرمائید بکنفر امین و بصیر از
لرستان بست وکالت انتخاب نموده روانه نماییم عرض
دیگر چشم ماها را لرسان بلوای مجلس مقدس است
شعبه آن در تمام بلاد است الا لرستان از طوایف و
شهرهای این نعمت مظمی معرود هستیم و هر که در
خرم آباد انجمن تاسیس نشود اسباب فتنه و غریبی
در این نقطه فراهم است استدعا همان داریم که مرحمت
فرموده امر بانقاد انجمن ایالتی بفرمایند و بکنفر هم
مصدق روانه شود به لرستان بیاید از روی بصیرت و کلا
انجمن را برقرار نموده و منظم بنماید و تحقیق احوال
معرضین را هم بنمایند که از چه طبقه معرب این قانون
مقدس هستند که دفع هیوات را زبانی نگویند بنمایند که
موجب آسایش فراهم گردد

آقای شیخ محمد علی - اولاد خوانین لرستان
خصوصاً و از تمام ایلات و محله از طرف خود بمجلس
اعلای شکر و ستایش بنماییم که اظهار وطن پرستی
و صلح خود را با مجلس شورای ملی نمودند و اقبال
عرض میکنم که مجلس همین طوری که نتوانست در آن
قسمت اقدام بنماید کرده اند که وکلی از آنها خواهد

شود خوب است تصویب شود که تمام ایلات و وکلای
خود را انتخاب نموده روانه نمایند
آقای سید حسین - این خوانین یک لشکرانی
بنوسط بنده از کرمانشا به مجلس مقدس و جمع اسلام
نموده اند خوب است جوابی بآنها مقابله شود که بنازل
خود رفته و بعد در باب حکومت آنجا با وزیر داخله
گفتگو شده و موجب آسایش آنها فراهم گردد

آقای میرزا آقاسی - بنده از احساسات
وطن پرستی این خوانین که اینطور اظهار قومیت
کرده اند خیلی تشکر میکنم ولی خوب است این تشکر
فعلی باشد که با وزارت داخله در خصوص حکومت
آنجا گفتگو شده و اسباب آسایش خاطر آنها فراهم
شود مجلس ختم شد

مذاکرات روز شنبه
شماره هم شهر صفر المظفر
قانون شورای ملی
خلاصه مذاکرات کز روز شنبه چهارم در آنجا
میرزا خراسانی قنایان قرائت کردند

لرستان حکما و مستقلا در خلاصه مذاکرات
است که نتیجه مانده است اگر خلاصه مذاکره
نشود باز بی نتیجه خواهد ماند یعنی قضایه که
خوانین و تجاری لرستان کرده بودند و موجب خواسته
بودند جواب چه داده خواهد شد و دیگری در باب
صدیق حضرت از باب عمل دفتر که اگر اقدام نشود
باز گفتو بی نتیجه خواهد ماند

رئیس - البته جواب خوانین لرستان داده
خواهد شد و دلیل هم از تمام ایلات حاضر خواهد
شد و در باب دفتر هم اضافه مشغول اصلاح آن
هستند (در این موقع شروع بقرائت قانون مشوقیات
شد) پس از آن مذاکرات لازم درمیان که راجع بود
باینکه هر که هر یک از باز مانده کان متوفی مثل
دیوانه داشته باشد سهمی که از وظیفه مزبوره
میرد از باب مواجعی که در ازاء شغل دیوانی میکند
معسوب میشود یا نه اخذ رای شد و با کثرت رای
تصویب گردید که باید معسوب شود و بعد در
سایر مواد باقی مانده مشابهه شده پس از تفقیح و
تصویب در کابینه مواد قانون مشوقیات اخذ رای شده
با کثرت رای تصویب گشته قرار شد برای توشیح
بصحه هما پونی فرستاده شود راپورت حکمسیون
خارج در باب داده تفقیح و امتیاز نعم نوغان که
در چند جلسه قبل قرائت شده بود مجدداً قرائت
شده مطرح مذاکره گردید

بهر اعلو مرتبتی - در خصوص این امتیاز
البته امتیاز که قوت داده است تصحیح است ولی
این امتیاز هم مثل سایر امتیازات است از قبیل
چای و غیره چون منفعت میبرد این امتیاز را
قبول کرده و باید چیزی هم بدو بخش خصوص
این تخم نوغان بهره اش خیلی است زیرا که هر چه
از آن را پس از تربیت و عمل آوردن مبلغ زیادی
خواهد فروخت و مبالغی از قبل آن منتفع میشود
پس با بودن این ترتیب نباید بجهة مخارج این کار
یک چیزی از ملت بگیرد جاسم حق المعاینه
زیرا که اکثر این تخمها را که وارد میشوند بجهة
شرکت است و در این صورت تخم مقیوب فاسد
وارد نمیکند و بر فرض هم که بجهة دین و معلوم
گردن خوب و بدان معنی خدمت ملت چیزی
میخواهد بگیرد باید در مقابل خدمت خود چیزی

بگیرد و آنهم فقط بکنفر دو سه ماهی در موع
وارد کردن تخم نوغان و معاينه آن هر کمرک باشد
و از هر جبهه یک شاهی هم بگیرد دو هزار تومان
میشود و این مبلغ در ازاء این خدمت کافی است
و اگر میگویند از باب اینکه معلوم میآورد و تخم
نوغان را تربیت میکنند مخارج دارد باز چیزی
بگیرد از این باب هم نباید چیزی گرفته شود زیرا
که تخم نوغان را بخود منحصر کرده و بقیمت گزاف
مفروش و بهره میبرد دیگر نباید چیزی از ملت
بگیرد و علاوه آیا به بینیم رعیت هم میتواند تخم
نوغان را خودش تربیت کند یا اینکه مجبور است
بباید از صاحب امتیاز بقیمت گزاف بخرد بنده
بخطار دارم در عهد حکومت ضد السلطان ماموری
بجهة این کار آمد گویا اسمش هم میرزا احمد خان
بود و در این خصوص گفتگوی زیاد شد ابداً
تجارت راضی باین تدار داد نشدند و فقط صحبت
جبهه یک شاهی در میان بود ولی درست در
نظر نیست که این جبهه یک شاهی را تجار میخواهند
بدهند و مامور این کار راضی نمی شد یا اینکه
از طرف مأمور اظهار شده و تجار راضی نمی شدند
در هر حال این امتیاز نامه خیلی محل ایراد و
اشکال است

وکیل التجار - بنده در اساس گرفتن دهشاهی
حق المعاینه حرف ندارم زیرا که این نعم را از خارج
وارد می نمایند که نفع بیرند البته باید معاينه شود و
کمرک هم گرفته میشود و نیز جبهه یک نفران از سابق
میگرفتند کسی حرف نداشت و میدادند اصل آوردند
باین میزان کسرند بنده یک ایرادی بکمسیون
خارج دارم که این امتیاز نامه را تصویب کرده مابرای
تصویب کردن جبهه دهشاهی بمجلس آوردند

رئیس - چرا باید آنها امتیاز نامه را که از
سابق داده شده تصویب نکنند و اما از باب حق المعاینه
چون مربوط بمالیات و تصویب آن با کمسیون
سابقه و مجلس بود از این جهت بمجلس آمده و باید
در این باب رای گرفته شود حال خوب است بکمسیون
تجارت راجع شود که در آنجا مذاکره کرده
تصویب نمایند

آقای سید حسین - بصیرت در اصل امتیاز نیست
فقط بصیرت در این است که حق المعاینه بکفران گرفته
شود یا دهشاهی و چون اتباع خارج راضی نمیدانند که
یک نفران بدهند و بعضی از سفرهم حاضر شده بودند
که حق المعاینه را دهشاهی بگیرند و چون این
حق المعاینه داخل در مالیه است و قرار است که یک نفر
آنها عاید دولت شود از اینجهت بمجلس آمد که بمجلس
رای خود را در این باب بنماید

وکیل الرعایا - در اصل امتیاز کسی حرفی
نداشت و ندارد اما اینکه می گویند حق المعاینه
دهشاهی گرفته شود باید معین شود که تا چند
وقت باید این وجه گرفته شود و اگر بکنفر
که هیچ حق المعاینه لازم نیست این هم تصحیح
نیست فقط باید تعیین مدت گرفتن حق المعاینه بشود
آقای میرزا محمود - بنده عرض میکنم آن
چیزی را که میگیرند ملت میدهد و این شخص هم
که امتیاز گرفته است از ملت است و وکیل بعضی
اشکالات و اعتراضات در امتیاز دارد آزاد است رای خود
را اظهار میکند ولی صاحب امتیاز حاضر نیست و